

مصطفی برغوثی:

وضعی که غزه داشت «۷ اکتبر» را ناگزیر کرد



مصطفی برغوثی، دبیر کل ابتکار ملی فلسطین (PNI) است. او به عنوان جانشین احتمالی محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین شناخته می‌شود. برغوثی شبانه‌روز با انجمن امداد پزشکی غیر دولتی خود (PMRS) کاری می‌کند که در خط مقدم غزه می‌جنگد. او جنگ غزه را از راه دور از رام‌الله در کرانه باختری زیر نظر دارد. تاگس آنتسایگر با وی گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌آید.

آقای برغوثی، اینکه هنوز در غزه آتش پس برقرار نشده، به دلیل نبود استراتژی برای فرودای آن روز است. چگونه می‌توان از ۱۷ اکتبر دیگر جلوگیری کرد؟

همه صحبت مربوط به ۱۷ اکتبر نباشد.

آن روز یک روز عادی نبود!

مشکل چیست؟ اینکه سیم‌خاردار شکسته است یا اینکه این سیم‌خاردار وجود دارد؟ من پزشک هستم و روی علائم تمرکز نمی‌کنم بلکه روی علل آن تمرکز می‌کنم. ۱۷ اکتبر یک نماد است. حماس خود یک نماد است. در سال ۱۹۴۸...

نه، لطفاً با سال ۱۹۴۸ شروع نکنید. ما داستان را می‌دانیم. بیا بید به تحولات فعلی بپردازیم.

اگر سؤال اشتباه پرسیده پاسخ اشتباهی خواهید گرفت. به نظر می‌رسد من سعی می‌کنم از سوالات طفره بروم، اما این شما هستید که از پاسخ‌ها طفره می‌روید. خروج از نوار غزه که اریل شارون در سال ۲۰۰۵ دستور داد، هرگز به عنوان یک عقب‌نشینی واقعی در نظر گرفته نشد. اسرائیل هنوز مرزها، گمرکات، تجارت، مالیات، مخابرات، بیشتر برق، فضای هوایی، اداره ثبت و همه چیز را کنترل می‌کند. به گفته سازمان ملل، نوار غزه دیگر نباید تا سال ۲۰۲۰ بر پامی ماند و حالا سال ۲۰۲۴ است، حتی آب آشامیدنی هم باقی نمانده بود. فقط آب دریا، آب شور. معلوم بود که دیر یا

زود این وضع پیش می‌آید. شما درباره علل و عوامل صحبت کردید. راهکار چیست؟

۱۷ اکتبر ثابت کرد قدرت صرفاً کارایی ندارد بلکه برعکس، قدرت کافی نیست، حتی اگر پیشرفته‌ترین تکنولوژی را داشته باشید، همیشه یک گلابدر وجود خواهد داشت که پیش‌بینی نکرده‌اید. ۱۷ اکتبر نشان می‌دهد زمان بازگشت به سیاست فراسیده است.

اساساً رام‌الله فاقد سیاست است. کاملاً ما به اینجا رسیدیم چون که تشکیلات خودگردان فلسطین اینگونه است. این در اسلو ضعیف تصور شد و از زمان اسلو حتی بدتر مدیریت شده است، به همین دلیل است که ما به عنوان ابتکار ملی فلسطین خواستار برگزاری

سازگی نمی‌توان آن را پاک کرد، زیرا این فقط درباره یحیی سنوار یا غزه نیست، حماس یک جنبش پیچیده است، او بخشی از جامعه ماست. اگر او حتی ۵ درصد رأی داشت، حق رأی داشت. مثل همه، این در مورد اعداد نیست بلکه در مورد دموکراسی است.

حماس از دیدگاه شما چیست؟ روزنامه‌های دهه ۷۰ را نگاهی بیندازید و درباره سازمان آزادی‌بخش فلسطین و عرفات بخوانید که به عنوان یک تروریست تلقی می‌شد که امروزه حماس به همین شکل است.

آیا واقعاً می‌توانید اسماعیل هنیه، رهبر حماس را به عنوان رئیس دولت تصور کنید؟

حضور در رهبری به معنای حضور در دولت نیست. حماس همیشه بسیار عمل‌گرا بوده است. او حاضر است یک گام به عقب بردارد، اگر به یک گام به جلو منجر شود.

اما آنها می‌دانند که حماس احتمالاً در انتخابات پیروز خواهد شد.

اما اکثریت نخواهد داشت. آرا کرسی نیستند، آنها را قانون انتخابات به کرسی تبدیل می‌کند. در سال ۲۰۲۱ ما یک سیستم نمایندگی تناسبی را برای ایجاد دولت‌های ائتلافی و اجتناب از دشمنی معرفی کردیم. برخورد با خدمه به اندازه کافی پیچیده است. هر که پیروز شد، باهم حکومت خواهیم کرد.

و چگونه می‌خواهید با رویکرد خود، امنیت



اسرائیل را تضمین کنید؟ اسرائیل چگونه امنیت ما را تضمین خواهد کرد؟ حماس مرزهای ۱۹۶۷ را به رسمیت نمی‌شناسد. فلسطین آنها را اردن نامدیترانته امتداد دارد. جایی برای اسرائیل نیست.

چه کسی این را می‌گوید؟ مرزهای ۱۹۶۷ را توافقنامه ۲۰۰۶ ذکر شده است که به تشکیل اولین دولت وحدت ملی ما منجر شد. از آن زمان، آنها در همه توافقات ما از جمله توافق بر سر قانون جدید انتخابات و انتخابات جدید ذکر شده‌اند و هنیه تأیید کرده که حماس موضع خود را تغییر نداده بلکه این نتائیاهاوست که مرزها را به رسمیت نمی‌شناسد و اسرائیل را از رودخانه تا دریا می‌بیند. در ماه سپتامبر، او نقشه‌ای را در سازمان ملل نشان داد که همه جزئیات اسرائیل، حتی کرانه باختری و نوار غزه را نشان می‌داد و کسی مخالفت نکرد.

من در مورد امنیت پرسیدم. همین بعد از سال ۱۹۴۸ فقط ۲۲ درصد از زمین‌مان باقی ماند و بالاخره بعد از سال ۱۹۶۷ پذیرفتیم که دیگر ادعایی نداشته باشیم. ما قبلاً وظیفه خود را انجام دادهایم، اما اکنون شهر کنشینان اسرائیلی همه جا هستند و ما فقط ۱۸ درصد از این ۲۲ درصد را داریم. ما را در آرامش رها کنی تا در آرامش زندگی کنی.

نتائیاها می‌گوید تا زمانی که حماس از بین نرود، غزه را ترک نخواهد کرد.

بیش از ۷۰ درصد خانه‌ها ویران شده است. هدف او متفاوت است؛ او می‌خواهد فلسطینی‌ها را مجبور کند آنجا را ترک کنند. اسرائیل در دادگاه بین‌المللی دادگستری (ICJ) متهم به نسل‌کشی است. به نظر شما این کلمه مناسبی برای توصیف این جنگ است؟

این سوآلی از شماست. منظور شما چیست؟ می‌توانم از آلی ویزل نقل قول کنم؟ در هر جنگی سه دسته وجود دارد: قاتلان، قربانیان و کسانی که کنار ایستاده‌اند و تماشا می‌کنند. روزی از شما می‌پرسند: کجا بودی؟

با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری هیچ قدرتی ندارد. حتی اگر بخواهد اسرائیل را محکوم کند.

قدرت به اشکال مختلف ظاهری می‌شود. اکثر دولت‌ها طرف اسرائیل هستند، اما اکثریت افکار عمومی طرفدار غزه هستند. ۱۰ سال پیش، روزنامه‌نگاران مجبور بودند در مورد به اصطلاح «شغال» بنویسند. امروز درباره «آپارتاید» می‌نویسند. قدرت اسلحه و ایده وجود دارد. قدرت عقل. من زمانی به دنیا آمدم که سیاهپوستان در ایالاتمتحده عقب‌توپوس‌ها می‌نشستند ولی زمان گذشت تا اینکه یک سیاهپوست رئیس‌جمهور شد.

از اروپا چه انتظاری دارید؟

هیچ. حتی تحریم؟

شما هزاران تحریم علیه پوتین اعمال کرده‌اید، اما در عین حال تعطیلات خود را در شهر ک‌ها می‌گذرانید، شما دیگر هیچ اعتباری ندارید.

«مقاومت» لنز دوربین‌ها را برای «نسل Z» تنظیم می‌کند

نرگس باوغلی و ولی نصر

رابطه‌ی مشترک و با روحیه «همه برای یکی و یکی برای همه» می‌بیند. اعضای محور معتقدند همه آنها در یک جنگ مشترک علیه اسرائیل و به طور غیر مستقیم، هشدارها و نه حملات امریکا، محور را وارد به عقب‌نشینی نخواهد کرد. ایالات متحده نتوانست خود را از یک دوره خطرناک تشدید دور نگه دارد، مگر اینکه آتشیاری در غزه خاموش شود، فشار بر جمعیت آن کاهش یابد و مسیری قابل اعتماد به سوی حکمیت و خودمختاری فلسطینی‌ها ترسیم شود.

محور مقاومت در هفتم اکتبر به وجود نیامد، پس از حمله نظامی سال ۲۰۰۳ امریکا به عراق شکل گرفت. بنیانگذار آن، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده پیشین آن، قاسم سلیمانی، از همان ابتدا به دنبال ایجاد یک شبکه انعطاف‌پذیر بود؛ جایی که هر جزء از محور بتواند خود کفا باشد. در روزهای آغازین، هدف اصلی محور نوای مقاومت، شکست طرح‌های ایالات متحده برای اشغال عراق بود. جنگ داخلی سوریه به نقطه عطفی برای محور تبدیل شد؛ زمانی که ایران، حزب‌الله و میلیشیاهای شیعه در عراق و سوریه علیه دشمن مشترک خود مبارزه کردند.

محور مقاومت در نهایت یک اتحاد نظامی است، بنابراین اعضای آن در اتحاد باهم، قوی‌تر هستند. گرچه حماس حمله ۱۷ اکتبر را طراحی و اجرا کرد، اما ایران و حزب‌الله و راکت‌های پیشرفته‌ای را در غزه، عراق، سوریه و یمن مستقر کرده‌اند. آنها همچنین به حماس و حوثی‌ها آموزش داده‌اند تا تسلیحات مورد نیاز خود را بسازند. موفقیت این رویکرد با توسعه و استفاده ماهرانه حماس و حوثی‌ها از موشک‌ها ثابت شده است. اعضای محور همچنین در زمینه ارتباطات رسانه‌ای آموزش دیده‌اند، به آنها کمک شده است کانال‌های مالی خود را برپا سازند و آموختند چگونه از مقاومت مدنی، به ویژه در کرانه باختری پشتیبانی کنند. این شبکه به تهران کمک کرده است هدف دیرینه خود، یعنی بیرون راندن ایالات متحده از خاورمیانه را بیشتر به جلو ببرد.

همه برای یکی محور مقاومت در نهایت یک اتحاد نظامی است، بنابراین اعضای آن در اتحاد باهم، قوی‌تر هستند. گرچه حماس حمله ۱۷ اکتبر را طراحی و اجرا کرد، اما ایران و حزب‌الله



گذاشته شده و به جای آن از کلمات و عبارات آشنا با لحن و ادبیات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل استفاده شده است. حوثی‌ها ویدیویی به زبان انگلیسی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند که می‌گفت حرکت تمام کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل یا مقصد اسرائیلی را در دریای سرخ ممنوع کرده‌اند. ویدئو اعلام کرد که این عملیات نظامی مطابق مفاد ماده ۱ کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی انجام می‌شود. ویدئو با پیام «محاصره زمانی پایان می‌یابد که نسل‌کشی متوقف شود» به پایان می‌رسد. در همه این سه ماه گذشته، حوثی‌ها، به ویژه با ویدئوهایی که ویرال می‌شود، نوعی حمایت جهانی را در میان نسل Z کسب کرده‌اند.

طی ۲۰ سال جنگ با تروریسم، اعضای محور مقاومت یا در سطح بین‌المللی ناشناخته بودند یا صرفاً به عنوان تروریست‌ها، بی‌شناخته می‌شدند. که از نفرت نسبت به غرب انگیزه می‌گرفتند ولی از ۱۷ اکتبر به بعد، محور با قدرت نرم توانسته است خود را با سطر شد داخو‌هاش تعریف کند

تروریست‌هایی شناخته می‌شدند که از نفرت نسبت به غرب انگیزه می‌گرفتند. از ۱۷ اکتبر به بعد، محور توانسته است خود را با شرایط داخو‌هاش تعریف کند و با موفقیت، اقدامات خود را با جنبش‌های ضداستعماری جهانی پیوند زند. آنها حتی موفقیت‌هایی را تجربه کرده‌اند که پیش از این غیرقابل تصور بود؛ این ماه، معترضان در لندن شعار دادند «یمن، یمن، ما را مفتح کن، کشتی دیگری را برگردان.» محور مقاومت، پس از این، نه تنها در میدان‌های نبرد خاورمیانه بلکه در شبکه‌های اجتماعی شامل اینستاگرام، تلگرام، تیک‌تاک و X با اسرائیل و ایالات متحده برای جلب توجه عمومی جهانی مبارزه می‌کند. در واقع، اظهارات نصرالله و آقای خامنه‌ای نشان می‌دهد رهبران محور، در درازمدت نظر عمومی بین‌المللی را جایزه استراتژیک مهم‌تری می‌دانند. نصرالله از این واقعیت استقبال کرده که «به لطف شبکه‌های اجتماعی، اکنون اسرائیل به عنوان یک کشور تروریستی قاتل کودکان شناخته می‌شود.» ایران و حزب‌الله از مدت‌ها پیش از اهمیت قدرت نرم آگاه بودند اما به طور این نقطه ضعف را شناسایی کرده و در دهه گذشته به ساخت یک زیرساخت رسانه‌ای قوی و چاپک پرداختند که اکنون به چندین زبان فعال است و برای چنین لحظاتی طراحی شده است. امروزه، محور مقاومت ویدئوهای روزانه‌ای از عملیات‌های میدان نبرد منتشر می‌کند که شامل افکت‌های اهسته برای نمایش ضربات مستقیم به سربازان و تأسیسات نظامی اسرائیلی است. این محور ویدئوهایی از حوثی‌ها را که در کشتی‌های تصرف‌شده در دریای سرخ می‌رقصند، در تیک‌تاک منتشر و میم‌هایی تولید می‌کند که به منظور ایجاد طرفداری جهانی برای چهره‌های کلیدی محور، از جمله سخنگوی حماس ابو عبیده طراحی شده‌اند.

کارزارهای نظمی و قدرت نرمی که محور مقاومت طراحی کرده است، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در منطقه برای غرب و ویژه برای ولشینگتن ایجاد می‌کند. اگر جنگ به زودی پایان نیابد و مسیری روشن برای دستیابی به یک توافق عادلانه برای فلسطینیان تعیین نشود، ایالات متحده با منطقی‌ا رویه‌رو خواهد شد که سیاست‌های آن بیش از پیش تحت تأثیر خشمی است که بارها به غزه را در بر گرفته است. جنگ در غزه فرصت بزرگی را برای این شبکه فراهم کرده است تا حمله‌ای نظامی و ارتباطی را علیه غرب راه‌اندازی کند. جنگ اسرائیل- حماس خاورمیانه را تغییر داده است؛ خشم عمومی فراوانی برانگیخته شده است و کینه نسبت به غرب می‌تواند به افراط‌گرایی تازه و ناپایداری سیاسی دامن بزند.

فارین افروز: ۷ ژانویه ترجمه: معاونت مطبوعاتی